

زمینه‌های تحقق عدالت بر اساس قرآن کریم (مطالعه موردی تدبیر در سوره مبارک حدید)

حسن اورعی^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

خداوند در سوره مبارک حدید هدف نهایی ارسال رسولان را برپایی عدالت در جامعه بشری در همه زمینه‌ها معرفی کرده و در این مسیر نقش انبیا را تبلیغ سخن حق و کتاب و میزان تعیین کرده است؛ این مردم هستند که تحت آموزه‌های رسولان الهی باید برای اجرای عدالت قیام کنند. این سوره در چهار سیاق، زمینه‌های این هدف را تبیین کرده است. در سیاق اول، سخن درباره نزاهت خدا از هر عیب و نقص و نیاز است و اینکه خدای بی‌نیاز به ایمان و انفاق مؤمنان نیاز ندارد. در سیاق دوم امر به همراه کردن ایمان و انفاق شده است هم انفاق مالی و هم انفاق جان که فصل ممیز مؤمن و منافق است. در سیاق سوم، فراخوان خشوع دل‌ها برای پذیرش دستورات قبلی است. دل بردن از دنیا به وسیله انفاق، زمینه موفقیت مردم در یاری پیامبران برای تحقق آرمان نهایی است، مطلبی که پیروان انبیای گذشته عمل نکردند و تحقق آن در سیاق پایانی، مردم توسط مؤمنان پیرو پیامبر اسلام (ص) انفاق خواهد افتاد و در سیاق پایانی به اجابت دعوت رسول (ص) برای یاری خدا و رسولانش به منظور برپایی قسط دعوت شده‌اند. بی‌شک، نقش کلیدی در تحقق هدف انبیا بر دوش مردم است.

انقلاب اسلامی ایران نیز قیامی مردمی در راستای اجرای عدالت و مقدمه‌ساز حکومت عدل الهی است. این نوشتار با رویکرد تدبیری و فهم منسجم، راهکارهای سوره مبارک حدید را به مثابه نقشه راهی برای تحقق عدالت تبیین کرده است.

واژگان کلیدی

گام دوم انقلاب، عدالت، اقامه قسط، سوره حدید.



مقدمه

انقلاب اسلامی ایران قیامی مردمی با هدف برپایی احکام اسلامی، نیل به آرمان‌های الهی و تحقق وعده‌های خدا در قرآن است. بیانیه گام دوم انقلاب نیز در شرایطی صادر شد که نهضت اسلامی ایران چهلمین سالگرد پیروزی خود را سپری کرد و در این مدت، به موفقیت‌های چشمگیری دست یافت و چالش‌های متعددی را نیز پشت سر گذاشت. این چالش‌ها را دشمنان این نهضت با همکاری ایادی داخلی ایجاد کردند تا مانع تحقق اهداف آن شوند. بیانیه گام دوم انقلاب متنی راهبردی برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» است که انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی - ارواحنا فداه - است» متصل خواهد کرد و در پرتو آن، بندگان صالح خدا وارثان زمین خواهند شد.

یکی از مهم‌ترین وعده‌های قرآنی استخلاف بندگان صالح خدا روی زمین است؛ این وعده آرمان نهایی تمام انبیای الهی بوده است. در آیه ۵۵ سوره مبارک نور آمده است: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که آنان را در زمین جانشین امت‌های شایسته گذشته کند؛ چنان که شایستگان امت‌های پیشین را در زمین جانشین دیگران قرار داد و نیز نوید داده است که آیین آنان را که بر پایه فطرت استوار است و خدا آن را برایشان پسندیده است، پابرجا سازد؛ به گونه‌ای که جامعه براساس آن شکل یابد. همچنین وعده داده است که آنان را پس از اینکه پیوسته از سوی دشمنان داخلی و خارجی بیمناک بودند، ایمنی بخشد. در حالی که امنیت می‌رسند که مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من قرار نمی‌دهند، و هر کس پس از تحقق این وعده، به وسیله کفر و نفاق و ارتکاب گناهان ناسپاسی کند، اینانند که از راه خدا بیرون رفته‌اند»^۱ (نور/ ۵۵). دقت در آیه قبلی نشان می‌دهد این استخلاف به شرط تبعیت امت اسلامی از پیامبر است. در آیه ۵۴ سوره نور خداوند می‌فرماید: «بگو: خدا را اطاعت کنید و از فرستاده‌اش فرمان برید. پس اگر روی گردانید و پیامبر را فرمان نبردید، به وی زبانی نمی‌رسد، چرا که فقط برعهده اوست آنچه بدان تکلیف شده است و برعهده شماست آنچه بدان تکلیف شده‌اید. و اگر از پیامبر فرمان برید، هدایت خواهید یافت، و بدانید که بر رسول خدا جز ابلاغ آشکار پیام، وظیفه‌ای نیست» (نور/ ۵۴)

۱. ترجمه آیات از ترجمه حجت الاسلام محمدرضا صفوی براساس تفسیر شریف المیزان انتخاب شده است.



بی‌شک در نبود پیامبر اسلام (ص)، نقش هدایت جامعه اسلامی به سوی این هدف مقدس با ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و در زمان غیبت با روات احادیث است. با برپایی حکومت اسلامی، نقش هدایت جامعه را «ولی فقیه» ایفا می‌کند. بر این اساس، نسبت پیامبر (ص) به جامعه اسلامی نقش امام و پیشرو و هدایت‌گر و در یک کلمه ولی جامعه است. این نسبت هم‌اکنون و با انقلاب اسلامی ایران و برپایی حکومت اسلامی، به رابطه بین مقام معظم رهبری و امت اسلامی اطلاق می‌شود. امروزه نیز مقام معظم رهبری هدایت جامعه را با محوریت قرآن و در راستای تحقق آرمان‌های قرآنی به عهده دارند. بیانیه گام دوم انقلاب که توسط مقام معظم رهبری صادر شد، نیز در همین راستا قابل تبیین است.

همان‌طور که اشاره شد، در سوره مبارک نور تحقق وعده الهی منوط به تبعیت امت اسلامی از ولی جامعه است. غرض هدایتی آیات ابتدایی سوره مبارک نور تثبیت عفت اجتماعی در جامعه اسلامی است و تأمل در جایگاه آیه ۵۵ این سوره مبارک نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین شروط برپایی جامعه آرمانی تثبیت عفت اجتماعی در جامعه است. تبیین این مسئله هرچند خود پژوهشی جداگانه می‌طلبد، اما آنچه مورد بحث این پژوهش است، آیه ۵۴ سوره نور یعنی شرط تبعیت امت اسلامی از پیامبر (ص) است. یکی از مواضعی که این شرط را تبیین کرده، سوره مبارک حدید و راهبرد آن برای تحقق جامعه آرمانی است. همان‌طور که در آیه ۵۴ سوره مبارک نور نیز مطرح شده، تحقق وعده الهی یعنی استخلاف بندگان صالح در روی زمین تنها زمانی رخ خواهد داد که تحت تعلیم انبیای الهی واقع شود. پیروان انبیای گذشته بر اثر عدم تبعیت از فرستاده خدا، موفق به برپایی آن جامعه آرمانی نشدند و اینک بار امانت بر دوش امت اسلام است. این مطلب از آیات انتهایی سوره مبارک حدید به دست می‌آید. تبعیت از پیامبر اسلام به عنوان شرط برپایی جامعه آرمانی، همان عمل به کتاب آسمانی اسلام است. قرآن کریم معجزه جاوید نبی مکرم اسلام، کتاب هدایت همگان است و هر کس می‌تواند به اندازه ظرفیت علمی و عملی خود به طور مستقیم و در پرتو رهنمودها و هدایت‌های اهل بیت وحی (علیهم‌السلام) از آن بهره‌مند شود. بر این اساس، یکی از مسئولیت‌ها و تکالیف نظام اسلامی و آحاد مسلمانان، توجه به کتاب خدا و اقتدا و اهتدا به آن است. امت اسلام باید همه تلاش خود را در جهت رفع مهجوریت قرآن کریم به کار گیرد، تا مشمول شکایت رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در روز قیامت قرار نگیرد. این امر افزون بر تکلیف و وظیفه الهی، راه سعادت افراد و جوامع نیز هست.

قرآن کریم زیربنا و محور اساسی همه شئون فردی، خانوادگی، اجتماعی و حکومتی اسلام است. بنابراین، ما زمانی به جایگاه بلند اسلامی بودن دست می‌یابیم که قرآنی باشیم. فرد مسلمان، جامعه مسلمان و حکومت اسلامی جز با محوریت قرآن و حضور پررنگ آن در صحنه هدایت و امامت به کمال خود نمی‌رسد. مستکبران و پیروان جبهه باطل همواره می‌کوشند تا با مقابله با دستورات قرآنی، منافع مادی خود را حفظ کنند و با تکیه بر دو رکن «قدرت و ثروت» به آرمان‌های اسلامی ضربه بزنند و در این راه از هیچ کوششی، چه از بیرون جامعه اسلامی و چه از داخل، مضایقه ندارند.

بی‌شک دستیابی به وعده خدا در قرآن، یعنی تحقق جامعه آرمانی اسلامی با محوریت قرآن، منوط به فهم و عمل به این کتاب آسمانی است. به طور مسلم، با شناخت و فهم دستورات الهی، ایمان به دستورات و عمل به آن میسر خواهد شد و یک فرد هنگامی می‌تواند ادعای فهم قرآن کند که نگاهی منسجم و با تدبیر نسبت به قرآن داشته باشد. این نگاه به قرآن کریم، فرایندی روشمند است که در ادامه، توضیح داده خواهد شد. به صورت اجمالی در تدبیر، به کل یک سوره به عنوان یک واحد معنایی با غرض هدایتی خاص نگریده و غرض نهایی سوره از تمامی آیات استخراج می‌شود.

تدبیر و فهم منسجم سوره‌های قرآن، مقدمه ایمان و عمل به دستورات قرآنی

اهمیت انسجام در سخن و فهم متدبرانه در این است که اگر کسی بخواهد جمله‌ای را بفهمد، ناگزیر از درک ارتباط میان کلمات آن جمله است، در غیر این صورت، تنها چند کلمه را فهمیده است و نه جمله را که محصول کلمات مرتبط با هم است؛ و همچنین اگر کسی بخواهد یک بند (پاراگراف) را بفهمد، چاره‌ای جز درک ارتباط جملات آن بند ندارد، در غیر این صورت، تنها چند جمله را فهمیده است و نه یک بند را که نتیجه جملات مرتبط با هم است؛ و به همین منوال اگر کسی بخواهد یک گفتار را درک کند، باید ارتباط میان بندهای آن را درک کند وگرنه تنها چند بند را فهمیده است و نه گفتار را که برآیند چند بند مرتبط با یکدیگر است. فهم آیات قرآن کریم هم به همین صورت است. اگر کسی بخواهد معنی آیه‌ای را بفهمد، باید ارتباط میان کلمات و عبارات آیه را درک کند و اگر کسی بخواهد معنی چند آیه متصل به هم را درک کند، باید ارتباط میان آیات آن مجموعه را بفهمد و اگر کسی بخواهد



محتوای یک سوره را بفهمد، ناگزیر از درک ارتباط آیات آن سوره و یا مجموعه آیات آن با هم است و همین «درک ارتباط» معنای دیگر «تدبیر» است که در سطوح مختلف به فهم مجموعه منتهی می‌شود.

سیر رشد انسان نیز به سوی فهم منسجم است. برای مثال، کودکان در اوان کودکی جملات را به صورت کلمه کلمه می‌شنوند و می‌فهمند و از این رو، توانایی جمله‌سازی ندارند، زیرا توانمندی عقلی کافی برای ادراک ارتباط میان کلمات ندارند. اما به تدریج و به موازات رشد عقلانی، به مهارت تشخیص ارتباط میان کلمات و فهم جملات و حتی جمله‌سازی دست می‌یابند و باز هم به تناسب رشد بیشتر، قدرت فهم ارتباط میان جملات را نیز به دست می‌آورند. اگر ما در برخورد با قرآن کریم، مانند کودکان عمل کنیم تنها کلمات قرآن را می‌فهمیم و نمی‌توانیم به معانی آیات قرآن دست پیدا کنیم، اما اگر قرآن را در مقام یک متکلم حکیم قرار دهیم و خود را مخاطب عاقل آن بدانیم، به تدریج توانایی فهم ارتباط میان کلمات و ادراک جملات و آیات؛ سپس فهم ارتباط میان جملات و آیات و ادراک سوره‌ها را می‌یابیم که این همان تدبیر است.

تعریف صحیح «تدبیر در قرآن»، مبتنی بر شناسایی مفهوم لغوی «تدبیر» و آن نیز در گرو بررسی معنی «ماده» و «هیأت» این واژه در قرآن و منابع لغوی است، زیرا ماده و هیأت، عناصر اصلی تشکیل‌دهنده مفهوم یک واژه هستند و تغییرات هر یک از این دو، سبب تغایر مفاهیم کلمات از یکدیگر است، البته سهم «ماده» در این میان بیش از دیگری است. عده‌ای با نگاه تسامح‌آمیز به این امر، معنی برخی از واژگان متفاوت را یکسان دانسته‌اند. اگر این دیدگاه در کلام انسان‌های عادی و در عرف محاوره قابل توجیه باشد، بی‌شک در مورد قرآن کریم موجه نیست. این کتاب، کلام خدا و عاری از تسامح در بیان است. بر پایه همین مطلب، هم معنی دانستن «تدبیر»، «تفکر»، «تفسیر»، «تأویل» و مانند اینها، گذشته از فقدان دقت و صحت علمی، کم‌نصبی از برکات معارف فراوان و کم‌توفیقی در عمل به فرامین قرآن را در پی دارد.

ماده دبر: برخی از کارشناسان لغت درباره ماده «د ب ر» چنین نوشته‌اند:

- «الدبر من کل شیء: عقبه و مؤخره» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۸۳).
- «ما أدبر عنه الإنسان» (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۸۸).
- «آخر الشیء و خلفه خلاف قبله» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۲۴).

• «إن الأصل الواحد في هذه المادة هو ما يقابل القبل و الإقبال وهذا المفهوم يختلف باختلاف الصيغ والهيئات والمواد» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۹۳).

بنابراین، ماده «دبر» در لغت به معنی «پشت» و «پشت سر» اشیا است. در معنای یک واژه علاوه بر معنای ماده که در تمامی مشتقات آن وجود دارد، هیأت نیز مؤثر است و قالب معنایی دیگری به معنای ماده می‌بخشد.

هیأت تدبیر: کارشناسان لغت هیأت «تفعل» را برای مطاوعه «تفعیل» می‌دانند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۹۳). بر همین اساس، برای تشخیص معنای «تدبیر» بهتر است معنای تدبیر نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۱. تدبیر: در کتب واژه‌شناسی، معانی متعددی برای تدبیر ذکر شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- «التدبير النظر في عاقبة الأمر» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۸۹).
- «التدبير التفكير في دبر الأمور» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۰۷).
- «و أما التدبير تصيير الشيء ذا عاقبة بأن يكون الشيء على عاقبة حسنة و نتيجة مطلوبة و هذا معنى العمل عن فكر و روية ... معنى التدبير بالنسبة إلى الله تعالى معلوم و تدبيره تعالى عبارة عن تنظيم أمور العالم و ترتيبه و جعل الأمور على أحسن نظام و اتقن صنع منتج» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۰۷)

بیان اول و دوم درباره مفهوم «تدبیر» خالی از اشکال نیست، زیرا ماده «دبر» را در اصل معنای «تدبیر» در نظر نگرفته و به حاشیه رانده‌اند. توضیح اینکه در عبارت‌های «النظر فی عاقبة الأمر» و «التفکر فی دبر الأمور» قسمت اصلی معنی واژه‌های «النظر» و «التفکر» است، که هیچ ارتباط روشنی با ماده یا هیأت تدبیر ندارند و قسمت فرعی و حاشیه‌ای معنی «فی عاقبة الأمر» و «فی دبر الأمور» است، که با معنی تدبیر در ارتباط هستند. دقت در بیان سوم نشان می‌دهد که موارد پیشین «تدبیر» را به لازم آن معنا کرده‌اند.

ریشه لغوی و ساختار لفظی اقتضا می‌کند «تدبیر» را «پشت سر هم چیدن حکیمانانه» بدانیم که این معنی با سومین مفهوم از مفاهیم پیش گفته، کاملاً هماهنگ است و استعملات قرآنی نیز آن را تأیید می‌کند:



«يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ»: [خداوند] در کار [آفرینش] تدبیر می‌کند، و آیات [خود] را به روشنی بیان می‌نماید، امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید (رعد/۲)

از نظر علامه طباطبایی (ره) نیز مراد از «تدبیر»، ترتیب دادن اشیاء متعدد مختلف پشت سر یکدیگر است، به گونه‌ای که هر شیء در جایگاه خاص خود قرار گیرد و غرض و فایده و مقصود، بر آن مترتب شود؛ و تدبیر عالم توسط خدا نیز تنظیم اجزای آن به نظمی نیکوست، به طوری که هر چیز به غایت مقصود برسد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۱: ۲۸۹).

امر به تدبیر در قرآن نشانگر وجود تدبیر (چینش حکیمانه) در قرآن کریم است. قرآن کریم یا هر کلام دیگری محصول تدبیر حروف، کلمات، عبارات و جملات در کنار یکدیگر است؛ به گونه‌ای که رساننده مقصود متکلم باشد، چنان که يك منظومه سیارات و ثابتات محصول تدبیر آنها در کنار هم است. به تعبیر دیگر، کلام، حاصل تدبیر است. ویژگی کلام الله نیز در گرو تدبیر ویژه آن است، چون صرف کلمات قرآن ویژه آن نبوده و بر زبان همه عرب‌ها جاری بوده و هست، پس تدبیر در کلام، شأن تکلیف و وصف آن است.

۲. تدبیر: «تدبیر» مطاوعه «تدبیر» است:

- «و أما التدبر فهو تفعل لمطاوعة التفعيل فحقیقة معناه حصول مفهوم التدبیر و اختیار ذلك المفهوم فيقال دبر الأمر فتدبراً الأمر...» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۷۶).

ریشه لغوی و ساختار لفظی «تدبیر» ایجاب می‌کند که آن را «دریافت (مطاوعه) چینش حکیمانه (تدبیر)» بدانیم. برخی بدون جمع‌بندی صحیح از ماده و هیأت، «تدبیر» را این‌گونه معنی کرده‌اند:

- «التدبیر أن تنظر إلى ما تؤول إليه عاقبته و التدبر التفكير فيه» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۷۳)

- «التدبر التفكير أي تحصیل المعرفتين لتحصیل معرفة ثالثة» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۸۹).

همان‌طور که مشخص است، در بیان اول، مفهوم ماده در اصل معنی دخالت داده نشده و در بیان دوم نسبت به معنی ماده و هیأت کاملاً بی‌توجهی شده است.



تدبر در قرآن: اگر گفته شود که تدبر مطاوعه یا پذیرش تدبیر است و این حروف و کلمات هستند که تدبیر الهی را می‌پذیرند، پس آنان متدبر هستند، نه ما؛ جواب آن است که خدای متعال تدبر را از ما خواسته است و نه از حروف و کلمات، چون تدبر مطاوعه غیر اختیاری تدبیر از سوی حروف یا اشیاء خارجی نیست، زیرا در معنای مطاوعی تدبیر نوعی اختیار و آگاهانه بودن لحاظ شده است، برخلاف معنای مطاوعی در باب انفعال. بنابراین، اگر بنا بود مطاوعه غیر اختیاری حروف یا اشیاء خارجی در قالب لفظ درآید، به صورت «اندبار» بیان می‌شد. در نتیجه، تدبر به معنی پذیرش و کشف آگاهانه تدبیر محقق شده در اشیاء یا کلام است.

آنجا که تدبیر نسبت به اشیاء عینی خارجی صورت می‌گیرد، تدبر فهم و پذیرش آن و آنجا که تدبیر کلام مطرح است، مراد از تدبر دریافت «تدبیر موجود در کلام» از سوی مخاطبان آن خواهد بود و این همان عنصری است که تدبر را راه فهم نظم و ویژه قرآن و ایمان به الهی بودن آن قرار داده است. لازم به ذکر است که تدبر گرچه ابتدایی‌ترین لایه فهم مجموعی قرآن کریم است، ولی اساسی‌ترین نوع فهم و مبنا و میزان سایر فهم‌ها از قرآن خواهد بود. برای مثال، علامه طباطبایی در قضاوت بین اقوال، ناهماهنگی با سیاق را دلیل بر رد، و هماهنگی با سیاق را دلیل قبول دانسته‌اند.

با توجه به مطالبی که بیان شد، مقدمه ایمان به دستورات الهی در قرآن، فهم قرآن است و راه فهم صحیح قرآن نگاه منسجم به سوره‌ها یا به عبارتی، تدبر در قرآن است و با تدبر و فهم صحیح قرآن و ایمان به دستورات آن می‌توان قرآن را در جایگاه واقعی خود در جامعه قرار داد و غایت نهایی ارسال همه پیامبران را محقق ساخت.

جایگاه قرآن در جامعه آرمانی

بیانیه گام دوم در پی هدایت مردم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی به عنوان مقدمه برپایی حکومت عدل الهی به رهبری حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است. به طور مسلم، تا زمانی که قرآن صامت از مہجوریت خارج نشود و در جامعه اسلامی ظهور نداشته باشد، انتظار برای ظهور قرآن ناطق غیر واقع‌بینانه خواهد بود. همان‌طور که اشاره شد، چشم‌انداز جایگاه قرآن کریم در جامعه اسلامی آن است که آحاد مردم به سطحی از فهم قرآن دست یابند تا بتوانند:

۱. بینش‌های خود را براساس فهم خویش از قرآن سامان دهند، بدین معنی که دیده‌ها، شنیده‌ها و خواننده‌های کلان زمانه خویش را به قرآن کریم عرضه کنند و صحت و سقم آنها را دریابند، یعنی فهم جامع جهان‌بینی و ایدئولوژی دینی از طریق قرآن همگانی بشود و عموم مردم بتوانند فهمی همه‌جانبه از معارف علمی و عملی قرآن به‌دست آورند، چون فهم غیرجامع و غیرجمعی نمی‌تواند پاسخی صحیح و کامل برای نیازها و پرسش‌های همگان باشد.

۲. انگیزه‌های عملی خود را براساس فهم خود از قرآن سامان دهند، بدین معنی که شهوت و غضب؛ محبت و عداوت؛ ارادت و کراهت و تولی و تبری خود را با عرضه به قرآن کریم تنظیم کنند و از این طریق با انتخابی آگاهانه در هر قدم زندگی، عزمی راستین در انجام وظایف خود داشته باشند.

ضرورت تدبیر با توجه به مراتب نقش‌آفرینی آن در طی مسیر از وضعیت کنونی تا تحقق چشم‌انداز مورد نظر آشکار می‌شود. از سوی دیگر، غایت نهایی ارسال رسل در سوره مبارک حدید اقامه قسط و عدل توسط مردم تحت راهبری انبیا معرفی شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/ ۲۵). در راستای اقامه عدل آنچه به همراه انبیا نازل شده، کتاب و معیار برپایی عدالت است که در مورد اسلام کتاب آسمانی قرآن است؛ لذا تا زمانی که قرآن در جایگاه محوری خود قرار نگرفته، تحقق آرمان نهایی ممکن نیست. منظور از جایگاه محوری فهم کامل، ایمان و عمل به دستورات قرآن در تمام حوزه‌های فردی و اجتماعی زندگی است. تشکیل جامعه اسلامی، نظام اسلامی نیز در راستای همین هدف غایی است و در جامعه اسلامی مردم نقش محوری برعهده دارند. بنابراین آنچه بیان شد، لازم است با نگاهی منسجم سوره حدید فهم (تدبیر) شود و مقدمات عمل به دستور خدا مبنی بر اقامه قسط از آموزه‌های این سوره مبارک استخراج شود.

فهم منسجم سوره حدید^۱ و مقدمات اقامه قسط

نام این سوره مبارک حدید است که با توجه به لفظ «الحدید» در آیه انتخاب شده است. در فهم منسجم سوره‌ها علاوه بر فهم تک‌تک آیات، به ارتباط آیات، چینش عبارات و اتصال و انفصال آیات نیز پرداخته می‌شود. با این بیان، سوره‌ها ممکن است به چند دسته مفهومی

۱. تطبیق تفاسیر ساختاری با اصطلاح «تدبیر» و طراحی تدبیر به عنوان یک فرایند روشمند در فهم بنیادین قرآن، از ابتکارات استاد گرامی حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسین الهی‌زاده (زیدعزه) و نیز تلاش‌های استاد گرانقدر حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین علی صوبی (زیدعزه) است که از کتب این دو بزرگوار استفاده و در منابع ذکر شد.

تقسیم شوند که غرض هدایتی خاصی را دنبال می‌کنند. از کنار هم قرار دادن غرض این دسته‌ها می‌توان به هدف کلی سوره دست یافت. در ضمن بیان آیات، به ارتباطات آنها با متن بیانیه گام دوم اشاره می‌شود.

۱. دسته‌بندی سوره مبارک حدید

سوره حدید دارای پنج کلام است: نخست، آیات ۱ تا ۶؛ دوم، آیات ۷ تا ۱۵؛ سوم، آیات ۱۶ تا ۲۴؛ چهارم، آیات ۲۵ تا ۲۷ و پنجم، آیات ۲۸ و ۲۹.

الف) کلام اول، آیات ۱ تا ۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱) لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲) هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳) هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴) لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۵) يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۶)

آیات ۱ تا ۶ با طرح تسبیح خدای متعال و تبیین علم و قدرت او، زمینه دعوت به ایمان و انفاق را فراهم آورده است. اوصاف ذاتی خدای متعال در سه محور حیات، علم و قدرت است، که از این میان، علم و قدرت جلوه‌های حیات‌اند، پس سایر اوصاف خدای بزرگ زیرمجموعه علم و قدرت او هستند. در آیه مورد بحث می‌توان گفت که عزت زیرمجموعه قدرت، و حکمت زیرمجموعه علم خدای لایزال است. اگر موجودی در جنبه عمل و قدرت خود نفوذناپذیر و عزیز و در جنبه علم و حکمت خود نیز دارای علمی کامل، ثابت و محکم باشد، بدین معناست که در تمام شئون حیات خود یعنی علم و عمل منزله از نقص و نیاز و سزاوار تسبیح است. به همین دلیل، این آیات طلیعه سوره به شمار آمده است. آیات مذکور هم مالک بودن خدا را می‌فهماند و هم ملک بودن او را؛ «له ملك السموات والارض» دوبار در این آیات به کار رفته است و تصرف خدا در نظام تکوین را می‌فهماند، بنابراین، آیات طلیعه برای آن است که بدانیم آن خدای متصرف در تکوین، امر به انفاق می‌کند.



دو صفت علم و قدرت به عنوان مقدمه بیان ربوبیت تکوینی خدا در عالم ذکر شده است. این دو صفت از دو جهت قابل بررسی است. انسان در دو بعد فردی و اجتماعی سیر استکمالی به سوی خدا را با تحقق صفات کمالیه الهی در وجود خود محقق می‌سازد. بی‌شک جامعه‌ای که داعیه استخلاف در زمین و برپایی حکومت جهانی توحیدی و عدالت محور دارد، نمی‌تواند بدون کسب علم و قدرت بدین مهم نایل آید. دقت در متن بیانیه گام دوم و توصیه‌های مقام معظم رهبری به جوانان برای رسیدن به قله‌های دانش و نیز رسیدن جامعه به تمام شاخصه‌های قدرت، اعم از اقتصادی و غیره در راستای همین امر قابل تحلیل است. از سوی دیگر، حکومت توحیدی تنها با اتکا به خدای متعال که علم مطلق و قدرت مطلق است و ربوبیت عالم در اختیار اوست، قابل دستیابی است. در جای جای متن بیانیه الطاف و عطایای خدای متعال یادآوری شده است.

ب) کلام دوم، آیات ۷ تا ۱۵

این کلام دو مطلب دارد: آیات ۷ تا ۱۱ و آیات ۱۲ تا ۱۵. این کلام در ابتدا (آیات ۷ تا ۱۱) به ایمان و انفاق دعوت کرده: «ایمانوا.... و أنفقوا» و در ادامه (آیات ۱۲ تا ۱۵) بار دیگر و این بار به وسیله تبشیر و انذار بر محور ایمان و انفاق، به این مسئله پرداخته است. از این کلام به خوبی فهمیده می‌شود که دعوت به انفاق در این قول، مطلب اصلی است و مراد از ایمان، ایمانی است که اثر آن در انفاق ظاهر شود.

مطلب ۱: آیات ۷ تا ۱۱

آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۷) وَ مَا لَكُمْ لَا تَتُومِنُونَ بِاللَّهِ وَ الرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَ قَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۸) هُوَ الَّذِي يُزِيلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ إِنْ اللّٰهُ بِكُمْ لَرُؤُفٌ رَّحِيمٌ (۹) وَ مَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَ لِلّٰهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَاتَلَ أَوْلِيَاكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَ قَاتَلُوا وَ كَلَّا وَ عَدَدَ اللّٰهِ الْحُسْنَى وَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۰) مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللّٰهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۱)

دو محور اصلی در این مطلب یکی، ایمان به خدا و رسول خدا و دیگری، انفاق است. حقیقت ایمان به خدا و رسول تبعیت است و تبعیت از خدا متجلی در تبعیت از رسول^۱ است. با این بیان، چشم اندازی که در ادامه سوره مبارک ترسیم می‌کند تنها در صورت تبعیت از رسول خدا امکان پذیر است. در یک نظام طولی، امروزه مقام معظم رهبری سکان دار نظام اسلامی هستند که چشم انداز مطرح شده در بیانیه نیز با تبعیت امت از ایشان قابل دستیابی است. در متن بیانیه اشاراتی به ظلمت دوران طاغوت و خروج امت اسلامی از آن ظلمات به نورانیت اسلام به رهبری امام راحل (رحمت‌الله‌علیه) شده است و از این جهت نیز این مطلب سوره با متن بیانیه قابل تطبیق است.

محور دیگر، بحث انفاق است. نکته مهم در باب انفاق در این سوره، تفاوت انفاق قبل از فتح و بعد از فتح است. در یک گسترش معنایی در باب انفاق و با توجه به قرائن این مطلب، انفاق شامل انفاق مالی و جانی می‌شود (بحث انفاق و جهاد). این مطلب به ویژه در ارتباط با نازل کردن حدید برای استفاده در مسیر اقامه قسط که در آیه ۲۵ بیان شده، قابل توجه است. انفاق مالی و جانی قابل توسعه به تمام تلاش‌های جهادی و صرف کردن مال و جان در راستای رسیدن به فتوحات و پیروزی‌های آینده است که به طور خاص مقام معظم رهبری در ارتباط با جوانان اشاره فرموده‌اند.

از سوی دیگر، فتح نیز به معنای گشایش و پیروزی برای جامعه اسلامی است. بزرگ‌ترین فتح پیش روی انقلاب اسلامی ظهور امام عصر- ارواحنا لتراب مقدمه الفداء- است. مراحل نهضت اسلامی تبیین شده توسط مقام معظم رهبری (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی) به عنوان فتوحات کوچک‌تر در راستای فتح بزرگ است. اشاره به ظهور و تلاش برای بسترسازی ظهور در زمینه‌های مختلف، در متن بیانیه به روشنی قابل ملاحظه است و به طور قطع، کسانی که قبل از فتح انفاق و جهاد می‌کنند با کسانی که بعد از فتح جهاد و انفاق می‌کنند، برابر نیستند. با این بیان، متن بیانیه دعوتی از سوی ولی جامعه، برای تلاش مجاهدانه و انفاق‌گونه پیش از فرارسیدن فتح بزرگ اسلام است.

۱. با توجه به سوره مبارک مریم، بین نبی و رسول تفاوت وجود دارد. برخی از انبیاء رسول نیز بودند؛ یعنی علاوه بر ابلاغ عمومی دستورات خدا، رسالت خاصی برعهده داشتند. عموم مؤمنان نیز رسالتی بر دوش دارند. رسالت عامی که برعهده تمام مؤمنان است، تمهید مقدمات برپایی حکومت عدل جهانی، یعنی تحقق آرمان نهایی همه انبیای الهی است.



يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲) يَوْمَ يَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَ الْمُنافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَ ظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ (۱۳) يُنادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَ لَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ غَرَّتْكُمْ الْآمَانِيُّ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ (۱۴) فَالْيَوْمَ لَا يُؤخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَ لَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَا أُوَكِّمُ النَّارَ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَ نَبَسَ الْمُصِيرُ (۱۵)

پس از توصیه اجمالی و تفصیلی به انفاق بر پایه ایمان در مطلب قبل، این مطلب با زبان انذار و تبشیر و بیان نتیجه تحقق یا عدم تحقق انفاق بر پایه ایمان در آخرت، می فهماند که حقیقت ایمان با انفاق آشکار می شود. بنابراین، اگر کسی می خواهد خود را از نار نجات دهد، امروز باید با انفاق، به ایمان حقیقی دست یابد و آن روز، دیگر فدیة قبول نمی شود. این مطلب ابتدا اجر اخروی عمل کنندگان به دستور انفاق بر پایه ایمان حقیقی را مشخص می کند و در نقطه مقابل ایشان، از منافقان سخن به میان می آورد و بدین ترتیب، می فهماند که در برابر آنان که حقیقت ایمان خود را با گذشتن از جان و مال در راه خدای بلندمرتبه به اثبات رسانیده و به نور رسیده اند، منافقان هستند که همچنان در تاریکی های حب دنیا باقی مانده و از نور بی بهره و مستحق عذاب الهی اند. بر این اساس، انفاق و نفاق در مقابل یکدیگرند و انفاق از بین برنده نفاق است، چون عامل اساسی نفاق حب دنیا است و انفاق گذشتن از حب دنیا و در نتیجه، سوزاندن ریشه نفاق است. عنوان متناسب با این مطلب عبارت است از: «تبشیر و انذار نسبت به امر انفاق، با بیان اثر انفاق و ترک آن در آخرت».

بنابر سیاق آیات، کسانی که ادعای ایمان دارند، ولی انفاق نمی کنند منافق هستند. بهره مندی مؤمنان از نور در قیامت همان تبعیت از ولی جامعه و انفاق در راه خداست و این تفاوتی است که مؤمنان با منافقان دارند. با این بیان، کسانی که از مال و جان خود در راستای تحقق وعده حکومت صالحان می گذرند و انفاق و جهاد می کنند و در راستای اجرای منویات ولی جامعه می کوشند، از حقیقت ایمان بهره مندند و کسانی که در ظاهر دم از ایمان می زنند، ولی اهل جهاد با مال و جان نیستند، ایمانشان با نفاق در هم آمیخته است.



ج) کلام سوم، آیات ۱۶ تا ۲۴

این کلام دارای دو مطلب است: نخست، آیات ۱۶ تا ۲۱؛ دوم، آیات ۲۲ تا ۲۴.

مطلب ۱: آیات ۱۶ تا ۲۱

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۱۶) اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۷) إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَبُوا اللَّهَ قَرَضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۸) وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۹) اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَاعٌ الْعُرُورِ (۲۰) سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۱)

محتوای این مطلب در چند فراز قابل بررسی است:

۱. خشوع قلب و تأثیر پذیری از آیات الهی: آیه ۱۶ با دعوت به خشوع قلب، به مؤمنان هشدار می‌دهد که مانند اهل کتاب نباشند که گرفتار قساوت قلب شده، بیشتر ایشان فاسق شدند.

۲. احیای زمین پس از مرگ: توجه به بینش احیای زمین پس از مرگ که در آیه ۱۷ بیان شده است، از چند جهت با بحث خشوع قلب یا قساوت دل در ارتباط است:

- قلب سخت مانند زمین مرده است، پس همان‌طور که زمین مرده را امکان حیات هست، قلب سخت را نیز امکان نرم شدن هست؛

- زمین مرده را خدا زنده می‌کند و اگر خواهان خشوع و نرمی دل هستید، این کار جز از خدای سبحان بر نمی‌آید، پس دست به دامان او شوید؛



- احیای زمین مرده نماد معاد است و یادآوری معاد خود در خشوع قلب و رفع قساوت آن سهمی به سزا دارد.

۳. انفاق و ایمان رهگشای رضوان و حب دنیا مایه عذاب: در آیه ۱۸ مردان و زنان صدقه‌دهنده و اهل انفاق را وعده‌ای نیکو می‌دهد. سپس آیه ۱۹ دو گروه اهل ایمان و کفر را مطرح کرده، عاقبت هر یک را بیان می‌کند. ذکر این مطلب پس از توصیه به انفاق و صدقه و پیش از بیان حقیقت حیات دنیا، نشان می‌دهد که مراد از اهل ایمان در این آیات مؤمنان واقعی هستند که ایمان خود را با گذشتن از مال و جان خویش به اثبات رسانیده‌اند.

۴. تصویری از حقیقت پست دنیا: آیات ۲۰ و ۲۱ به منظور کمک به حرکت در مسیر نیل به مقام مؤمنان واقعی اهل صدقه و انفاق، حقیقت پست حیات دنیا را به تصویر می‌کشد و در ادامه، با بیان اینکه حب حیات دنیا، در آخرت عذابی شدید در پی دارد و در مقابل آن، رضوان الهی است که مخصوص مؤمنان واقعی اهل انفاق است، همگان را به سبقت گرفتن به سوی رضوان الهی (از طریق اثبات ایمان با گذشتن از مال و جان) دعوت می‌کند.

آنچه در این مطلب از سوره بیان شده، تذکری به مؤمنان است که مانند اهل کتاب نباشند که در برپایی آرمان انبیا کوتاهی کردند. آنچه طبق این سیاق قابل برداشت است، اینکه مهم‌ترین مانع موجود بر سر راه مؤمنان برای جهاد مال و جان، حب دنیا است؛ بیشتر پیروان انبیای الهی گذشته گرفتار این مسئله شدند و نتوانستند پیامبر خود را در راستای برپایی حکومت جهانی توحیدی یاری کنند. اجرای بیانیه گام دوم انقلاب نیز تنها زمانی ممکن است که نگاه به دنیا نگاه زندگی اصلی نباشد. آنچه شرط اصلی برای موفقیت در اجرای این گام است، دل بردن از دنیا است. یکی از توصیه‌های مهم مقام معظم رهبری به جوانان در این بیانیه، «تقویت معنویت و خودسازی» است. اساس معنویت یعنی دل بردن از مادیات و به طور خلاصه دل بردن از دنیا. بی‌شک، دنیا در چشم کسانی که داعیه برپایی حکومت عدل دارند، همان است که در این فراز از سوره بیان شده است.

مطلب ۲: آیات ۲۲ تا ۲۴

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۲۲) لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۲۳) الَّذِينَ يَخْلَوْنَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۴)



مطلب نخست، کلام جاری انفاق را حیات بخش دل‌های مرده دانست و بدین بیان، همگان را به انفاق دعوت کرد. این مطلب با ارائه بینشی درباره مصایب مالی و جانی، به تحقق روحیه انفاق و جهاد و برپایی زهد حقیقی کمک می‌کند. فقدان بینش مذکور باعث می‌شود که انسان گمان کند با عدم انفاق می‌تواند مال و جان خود را حفظ کند، در حالی که نقص مال و جان در علم الهی ثبت است و کسی را گریزی از آن نیست؛ پس انفاق مال و جان عامل فقر و مرگ نخواهد بود. برای مثال، اگر مرگ کسی فرابرسد، می‌میرد حتی اگر در میدان جهاد و انفاق جان نباشد و اگر مرگ کسی فرانرسد، نمی‌میرد، حتی اگر در وسط معرکه قتال باشد.

د) کلام چهارم، آیات ۲۵ تا ۲۹:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۵) وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۶) ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابَنِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۷) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸) لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

بر اساس آیه ۲۵، هدف از ارسال رسل و انزال کتب، برپایی قسط و عدل است و این مهم پدید آوردن آهن را می‌طلبد تا مایه ابتلای بندگان در یاری خدا و رسولان برای نبرد با متجاوزان باشد. در ادامه آیات ۲۶ تا ۲۷، مسئله ارسال رسولان الهی و انزال کتاب‌های آسمانی را با تفصیل بیشتری مطرح کرده و کوتاهی امت‌های پیشین را در یاری پیامبرانشان خاطر نشان ساخته است.

اینک باید در جست‌وجوی پاسخ این پرسش بود که هدف از طرح چنین موضوعی در چنین سوره‌ای چیست. پاسخ این سؤال را می‌توان با توجه به تکرار عبارت «کثیر منهم فاسقون» یافت. این عبارت، توجه ما را به شانزدهمین آیه سوره جلب می‌کند، آنجا که خدای متعالی



از مؤمنان خواسته بود تا مانند اهل کتاب نباشند که برهه‌ای بر آنان گذشت و قلبشان قساوت گرفت و بیشترشان فاسق شدند: «ألم یأمنوا للذین آمنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحق و لا یكونوا کالذین أتوا الكتاب من قبل فطال علیهم الأمد فقتست قلوبهم و کثیر منهم فاسقون». اینک آیات این کلام می‌فهماند که فاسق شدن اهل کتاب، بدین معنی است که انبیای الهی را در تحقق هدف بلندشان، یعنی برپایی قسط و عدل با جهاد یاری نکردند و در رکاب رسولان الهی به نبرد با موانع برپایی قسط و عدل نپرداختند. در کلام چهارم سوره خواندیم که قساوت دل اهل کتاب و فسق ایشان محصول دوری از فرهنگ انفاق بود. از این رو، خدا از مؤمنان خواسته بود تا مانند اهل کتاب گرفتار قساوت و فسق نشوند و انفاق را راه‌رهایی از مرگ دل و رسیدن به حیات طیبه معرفی کرده بود، پس مصداق روشن و مسلم فسق مطرح‌شده در این آیات (کثیر منهم فاسقون)، ترک انفاق مال و جان در یاری پیامبران الهی به منظور برپایی قسط و عدل است. برخی به دلیل دنیاطلبی از یاری دین سر باز زده‌اند و برخی به علت فهم نادرست از زهد به گوشه‌نشینی و انزوا مبتلا شده، از دنیا و حتی اصلاح آن و نبرد با متجاوزان، که فعالیت اجتماعی است، غافل مانده‌اند. گروهی از مدعیان پیروی از حضرت عیسی (علیه‌السلام) نیز از این دسته بودند؛ یعنی دل بریدن از دنیا را هدف اصلی دانستند و این در حالی است که دل بریدن از دنیا شرط اصلی و مقدمه لازم برای برپایی هدف نهایی ارسال رسولان یعنی قیام مردم برای برپایی عدل و قسط است.

دقت در سیر آیات نشان می‌دهد شرط موفقیت مؤمنان برای تحقق آرمان انبیا، همراه کردن ایمان با انفاق است؛ هم انفاق مال و هم انفاق جان؛ چون برای برپایی حکومت عدل جهانی معیاری همچون کتاب و برای دفع مخالفان و مبارزه با آنان، حدید لازم است. همان‌طور که گفته شد، علت عدم موفقیت پیروان انبیای گذشته، دلبستگی به دنیا به دلیل انفاق نکردن دانسته شده است. پس دل بریدن از دنیا خود هدف نیست و به رهبانیت که ابداع پیروان حضرت عیسی بود، نمی‌انجامد، بلکه انفاق زمینه دل بریدن از دنیا را برای موفقیت مؤمنان به منظور برپایی آرمان انبیا فراهم می‌کند.

بنابراین کلام حاضر، برپایی قسط و عدل را که هدف انبیا بوده است، از ثمرات رهایی امت‌ها از فسق دانسته و کلام قبل، فاسق بودن افراد امت را نتیجه قساوت دل ایشان و آن را نیز محصول بخل و دوری از انفاق دانسته است، از این رو، عنوان متناسب با این کلام عبارت است از: «برپایی قسط و عدل، در نتیجه نهادینه شدن فرهنگ انفاق».

این فراز از سوره حدید را می‌توان محور اصلی سوره دانست که بیشترین تطبیق را با متن بیانیه گام دوم انقلاب دارد. مهم‌ترین مطلب این فراز، اشاره به آرمان ارسال رسولان یعنی اقامه قسط و عدل است. اما نکته مهم این است که وظیفه اقامه قسط در این فراز برعهده مردم است و در این بین، وظیفه انبیا بیدارسازی و هدایت مردم به سوی این هدف است.^۱ مقام معظم رهبری در جایگاه ولی جامعه اسلامی که پیشتر مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی را تبیین کرده بودند، این بار در بیانیه گام دوم انقلاب مسیری را ترسیم کردند که چشم‌انداز ظهور منجی عالم بشریت است. این مهم‌ترین نقش ولی جامعه و درست در راستای وظایف انبیای الهی بوده است. نکته مهم این است که مقام معظم رهبری برای اجرای این بیانیه، تأکید ویژه‌ای روی جوانان دارند. توصیه‌های پایانی بیانیه خطاب به جوانان است که ظرفیتی بزرگ برای جامعه اسلامی به منظور تحقق وعده الهی هستند. لذا در بیانیه نیز وظیفه اصلی بر دوش جوانان، یعنی نیروی پر نشاط و دغدغه‌مند جامعه است.

آیات پایانی این فراز، سرگذشتی از پیروان انبیای گذشته است که از ولی خود تبعیت نکردند و حب دنیا مانع شد تا خدا و پیامبر را یاری کنند و اکثرشان به دلیل تبعیت نکردن و عدم تلاش مجاهدانه (انفاق و جهاد) فاسق شدند. متن بیانیه از یک سو، امیدبخشی دارد و از سوی دیگر، جوانان را از آفات آگاه کرده، راهبری می‌کند. رهبانیتی که پیروان حضرت عیسی (علیه السلام) ابداع کردند، در یک فهم سیاقی، همان جدایی دین از سیاست است. رهبانیت آنان دل بریدن از دنیا بود، نه یاری رسول برای برپایی عدالت. امروزه نیز عده‌ای در جامعه از دین‌داری به احکام فردی بسنده کرده‌اند و ولی جامعه را در راه اقامه قسط یاری نمی‌کنند.

۲. غرض سوره

در این سوره مبارکه از موضوعات متعددی، مانند معارف توحیدی مبدأ و معاد، ایمان، تقوا، انفاق و برپایی قسط و عدل سخن به میان آمده است، اما در میان همه این موضوعات، مسئله انفاق هم به دلیل حجم آیات مربوطه و هم نظارتی که بر سایر موضوعات دارد، مهم‌ترین موضوع سوره محسوب می‌شود. غرض این سوره مبارکه را می‌توان با این عنوان بیان کرد: «نهاده‌سازی فرهنگ انفاق در جامعه و تشویق مؤمنان به گذشتن از دنیا در راه خدا در جهت

۱. این آیه مهم‌ترین دلیل بر انتظار فعال و بهترین پاسخ به قائلان انتظار منفعلانه است.



برپایی قسط و عدل». علامه طباطبایی (ره) نیز غرض سوره را ترغیب مؤمنان به انفاق و تبعیت از پیامبر (ص) دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۹: ۱۴۳). با توجه به مطالب پیشین، این تبیین علامه شرط و مقدمه اقامه قسط از منظر قرآن است.

تدبر در این سوره (نگاه منسجم به کل سوره) نشان می‌دهد که غرض، هدایت به حقیقت ایمان و نیز اجابت دعوت رسول خدا و گذشتن از مال و جان در راه خدا به عنوان مقدمه قیام به قسط است: «ای مؤمنان! حقیقت ایمان چیزی جز گذشتن از مال و جان در راه خدا نیست؛ پس به خدا ایمان بیاورید و انفاق کنید. نسبت به یاد خدا و دعوت قرآنی رسول خدا خاشع باشید و صدق ایمان خود را با انفاق اثبات کنید و بخل نورزید و دیگران را به بخل دعوت نکنید. بدانید که این تنها راه تحقق آرمان بلند برپایی قسط در زمین است؛ که بسیاری از اقوام گذشته، رسولان الهی خود را به سوی آن آرمان یاری نکردند و اینک نوبت شماست.»

سوره حدید راهکار تحقق آرمان انبیا را آمادگی کامل برای جهاد با مال و جان در راه خدا و پشت سر رهبری الهی معرفی می‌کند. نظر به تداوم ابدی شریعت اسلام، حقیقت انتظار در زمان غیبت ولی خدا نیز مشخص می‌شود. زمانی زمینه برای حضور او فراهم خواهد شد که مؤمنان مال و جان را بر کف نهاده، آمادگی خود را برای حضور در صحنه به اثبات برسانند. اینک معنای انتظار فعال در مقابل قائلان به انتظار منفعلانه مشخص می‌شود. امروز انقلاب اسلامی ایران در آغاز گام دوم خود قرار دارد و مردم وظیفه دارند زمینه را برای تحقق اهداف انقلاب فراهم کنند. بیانیه گام دوم انقلاب سندی پیامبرگونه است که راهبردهای کلی این حرکت را برای چهل سال پیش رو، مشخص کرده است. مقام معظم رهبری توصیه به عدالت را علاوه بر بیانیه، همواره در فرمایشات خود مورد توجه قرار داده‌اند.

در این قسمت از نوشتار، پس از تأملی کوتاه به توصیه‌های مقام معظم رهبری به عدالت، به جمع‌بندی مطالب خواهیم پرداخت.

عدالت از منظر مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب

در اینجا، از میان تمامی توصیه‌ها و فرمایشات مقام معظم رهبری، به مواردی اشاره می‌شود که با محتوای سوره مبارک حدید ارتباط بیشتری دارد.

اهمیت عدالت به حدی است که هدف اصلی انقلاب را می‌توان اقامه عدل دانست: «انقلاب برای این است که عدالت برقرار شود... باید حرکتان به سمت عدالت باشد. این، آن



شاخص اصلی است» (۷۱/۱۰/۱۷). نماد اصلی عدالت در اسلام، حکومت نهایی صالحان تحت ولایت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است: «مظهر عدل پروردگار، امام زمان (عج) است و می دانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان (علیه الصلاه و السلام)، همان گونه که در دعاها و زیارات و روایات آمده است، عدالت می باشد» (۶۸/۱۲/۲۲). « دنیا به سمت عدل و قسط حرکت می کند و معنای امام زمان و انتظار فرج همین است» (۷۱/۱۱/۱۸).

هدف بعثت را می توان برپایی عدالت دانست: «نظامی که براساس بعثت بنا شده باشد، هدفش سعادت و زندگی راحت برای بشر است و این، جز با دو هدف معنویت و عدالت تأمین نمی شود» (۷۴/۹/۲۹)؛ و این از برکات وجود مبارک پیامبر اسلام است: «بزرگترین برکات ولادت عظیم نبی بزرگوار اسلام، عبارت بود از هدیه کردن توحید و عدالت به جوامع بشری» (۷۱/۶/۲۴).

عدالت در حکومت امیرالمؤمنین نیز از اهداف اصلی بوده است: «امیرالمؤمنین علیه الصلاه و السلام، در همان چند سالی که به خلافت و حکومت رسیدند، نشان دادند که اولویت در نظر آن بزرگوار، استقرار عدل الهی و اسلامی است؛ یعنی عدالت، یعنی تأمین کردن هدفی که قرآن برای ارسال رسل و انزال کتب و شرایع آسمانی بیان فرموده است: «لیقوم الناس بالقسط» اقامه قسط الهی. قسط و عدل با دستوری که اسلام معین کرده، بهترین تضمین و تأمین کننده عدالت است. این، در نظر امیرالمؤمنین - علیه الصلاه و السلام - اولویت درجه اول بود» (۷۱/۳/۳۰).

قیام برای برپایی قسط و عدل، با منافع دنیاگرایان سلطه گر و ایادی آنان در تضاد است؛ لذا «این متمرکز شدن روی عدالت و دل بستن به عدالت، راز اصلی دشمنی دشمنان با اسلام، به خصوص در روزگار ماست» (۷۱/۳/۳۰). البته پیروزی نهایی با صالحانی است که برای برپایی عدالت تلاش کرده اند: «حرکتی که برای قسط و عدل است، بر حرکتی که در مقابل قسط و عدل ایستاده است، پیروز خواهد شد. در این، شکی نیست» (۷۱/۱۱/۱۸).

اوج توصیه های مقام معظم رهبری را می توان در بیانیه گام دوم انقلاب ملاحظه کرد. بیانیه اشاره ای مستقیم به آیه ۲۵ سوره مبارک حدید دارد: «عدالت در صدر هدف های اولیّه همه بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛



این، کلمه‌ای مقدّس در همه زمان‌ها و سرزمین‌هاست و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولّی‌عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد؛ ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای برعهده همه، به ویژه حاکمان و قدرتمندان است» (بیانیه گام دوم انقلاب).

جمهوری اسلامی به صورت نسبی تلاش کرده است تا عدالت را پیاده کند و هرچند تا وضع مطلوب فاصله زیادی دارد، اما موفقیت‌های فراوانی کسب کرده است: «انقلاب... کفّه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست... البتّه عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینهاست و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌هاست... با این همه، اینجانب به جوانان عزیز می‌گویم که آینده کشور، چشم‌انتظار آنهاست، صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است» (بیانیه گام دوم انقلاب).

مقام معظم رهبری در قسمت پایانی بیانیه گام دوم، مردم و به ویژه جوانان را به هفت موضوع توصیه می‌کنند: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و در نهایت، سبک زندگی. عدالت به عنوان یکی از توصیه‌های هفت‌گانه مورد توجه ایشان بوده است. نکته قابل تأمل، تقدم توصیه به معنویت و اخلاق نسبت به اقتصاد و عدالت است.

«اسلام عقلانیت را و معنویت را و عدالت را با یکدیگر به ملت‌ها هدیه می‌دهد» (۹۰/۱۱/۱۰). اگر بخواهیم تعریف معنویت را در یک عبارت کوتاه خلاصه کنیم، باید آن را در مقابل مادیت قرار دهیم. تعلق و وابستگی به مادیات و ثروت و قدرت دنیا، نقطه مقابل معنویت است. بر این اساس، اگر کسی بخواهد معنویت را در درون خود تعالی بخشد، باید از وابستگی‌های خود به ثروت و قدرت دنیا بکاهد و این زمانی اتفاق می‌افتد که بی‌ارزش بودن توجه به دنیا در نظر او جلوه‌گر باشد. این مطلب دقیقاً با محتوای سوره مبارک حدید



قابل تطبیق است. همان طور که اشاره شد، خدای متعال در این سوره پیش از دستور به اقامه عدل، دستور به ایمان، اطاعت از رسول و انفاق مال و جان در راه خدا داده است. انفاق مال و جان به تبع ایمان و اطاعت از رسول (ولی جامعه) زمانی اتفاق می افتد که وابستگی به دنیا کم باشد. انفاق مال و جان و کاهش دل بستگی به دنیا تأثیر و تأثر متقابل دارند. این مطلب همان معنویت است که شرط لازم برای اجرای عدالت به شمار می رود. به طور قطع، تنها کسانی می توانند عدالت حقیقی را اجرا کنند که خودشان به دنیا تعلقاتی نداشته باشند.

نتیجه گیری

همان طور که بیان شد، تحقق وعده استخلاف بندگان صالح خدا بر روی زمین منوط به پیروی از فرستاده خداست. تبعیت از فرستاده خدا عمل به کتاب آسمانی است. یکی از سوره های قرآن که زمینه های تحقق آرمان انبیا را مطرح فرموده، سوره مبارک حدید است. سیر هدایتی آیات مبارک سوره حدید نشان می دهد که خدای متعال با طرح تسبیح خود و تبیین علم و قدرت خود در ابتدای سوره، زمینه دعوت به ایمان و انفاق را فراهم آورده است که بدانیم آن خدای متصرف در تکوین، امر به انفاق می کند. خدای متعال در آیات بعد، به ایمان و انفاق دعوت فرموده و در ادامه، بار دیگر و این بار به وسیله تبتییر و انذار بر محور ایمان و انفاق، به این مسئله پرداخته است. از این کلام به خوبی فهمیده می شود که دعوت به انفاق در این قول مطلب اصلی است و مراد از ایمان، ایمانی است که اثر آن در انفاق ظاهر شود. آیات بعدی در صدد بیان فلسفه فردی انفاق است و دستیابی به حیات قلب و رهایی از قساوت و فسق را نتیجه انفاق و دوری از بخل می داند.

فلسفه اجتماعی انفاق، برپایی قسط و عدل بیان می شود. این آیات می فهماند که هدف از ارسال رسل و انزال کتب برپایی عدل و قسط در میان مردم است و چون قسط و عدل جز با نبرد با ظالم و متجاوز برپا نمی شود، خدای قادر آهن را فرو فرستاده است تا مایه شدت و حدتی علیه ظالمان باشد، یعنی خدای عزیز جهاد را راهکار برپایی عدل می داند که هدف انبیا و کتب آسمانی است. جهاد هم محقق نمی شود، جز با گذشتن از مال و جان، یعنی انفاق مالی و جانی در راه خدا و این همان غرض سوره است. گفتنی است انفاق مال و جان در راه خدای سبحان، به دو صورت به برپایی عدل کمک می کند: یکی، هموار شدن راه برای



مبارزه با متجاوزان و دیگری، فرونشاندن زمینه ظلم و تجاوز برای انفاق‌کنندگان؛ چون ظلم و تعدی به حقوق غیر، نتیجه‌ی زیاده‌طلبی و دنیاخواهی است و این رذایل در انسان‌های اهل انفاق دیده نمی‌شود. به بیان دیگر، علت عدم موفقیت پیروان انبیای گذشته، دلبستگی به دنیا به دلیل عدم انفاق دانسته شده است. پس دل بریدن از دنیا به رهبانیتی که ابداع پیروان حضرت عیسی بود، نمی‌انجامد، بلکه انفاق مال و جان، زمینه دل بریدن از دنیا برای موفقیت مؤمنان در برپایی آرمان انبیای است.

صدور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از سوی مقام معظم رهبری در برهه حساس زمانی، راهبردی پیامبرگونه از سوی ایشان برای جوانان انقلاب اسلامی است تا با خودسازی و جامعه‌سازی بتوانند مقدمات برپایی تمدن نوین اسلامی را فراهم کنند. این بیانیه از جوانب گوناگون با سوره مبارک حدید تطبیق دارد. ولی جامعه به عنوان جانشین انبیا وظیفه هدایت جامعه را دارد تا مردم با تبعیت از او بتوانند زمینه تحقق آرمان نهایی همه انبیای الهی، یعنی برپایی قسط و عدل را در خود و در جامعه فراهم کنند. همان‌طور که محور اصلی برپایی عدل «مردم» هستند، محور اصلی بیانیه نیز مخاطبان آن یعنی مردم و به طور خاص جوانان هستند. این بیان به روشنی با آیه ۲۵ سوره حدید تطبیق دارد. محتوای بیانیه نیز از جنبه‌های گوناگون در راستای فرمایشات خدای متعال در سوره مبارک حدید است.



منابع

- قرآن کریم.
- بیانیه گام دوم انقلاب.
- ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر.
- الهی زاده، محمد حسین (۱۳۹۴)، تدبر ترتیبی قرآن، چاپ اول، مشهد: تدبر در قرآن و سیره.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، دمشق: دارالقلم.
- صبوحی طسوجی، علی (۱۳۹۷)، آشنایی با دانش تدبر در قرآن کریم، چاپ اول، قم: مؤسسه تدبر در کلام وحی.
- صبوحی طسوجی، علی (۱۳۹۶)، تدبر در قرآن کریم، چاپ اول، ج ۳، قم: مؤسسه تدبر در کلام وحی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۳ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان.
- فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، چاپ دوم، قم: دارالهجره.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام رهبری: www.khamenei.ir

